

بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان

ریحانه کوشش کار*

وحید قاسمی عهد**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۰

چکیده

هتک حیثیت، یکی از مهمترین انواع خسارت معنوی است که در این مقاله، قابلیت جبران و روش‌های آن در نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. این مفهوم اگرچه در قوانین ایران تعریف نشده لکن با توجه منابع قانونی موجود مانند قانون اساسی، قانون مسئولیت مدنی و سایر قوانین بین‌المللی در مطالبه آن به خصوص برای اشخاص حقیقی و حقوق خصوصی وجود ندارد و برای جبران آن، به روش‌های عینی و غیر مالی مانند عذرخواهی، انتشار حکم در جراید، حق پاسخگویی متقابل و همچنین جبران مالی تصریح شده است. با این حال در رویه قضایی، جبران این خسارت، به خصوص از طریق مالی، کمتر پذیرفته شده است. برعکس در نظام حقوقی انگلستان، روش غالب جبران خسارت هتک حرمت شامل افترای کتبی و شفاهی به صورت دادن مبلغی پول است که به تناسب مورد، در قالب جبران معادل، سمبلیک، خسارات تحقیر آمیز یا خسارت تنبیهی صورت گیرد و تنها روش عینی، استفاده از قرطبی است.

کلیدواژه‌ها: جبران بدلی، جبران عینی، خسارت تنبیهی، خسارت تحقیر آمیز، هتک حیثیت.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانش گاه آزاد اسلامی اراک (نویسنده مسئول).

** استادیار حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

امروزه گسترش رسانه‌ها، مطبوعات و سایر وسایل ارتباطی و به رسمیت شناختن آزادی‌های اساسی بشری همچون آزادی بیان، اگرچه در جای خود دامن‌بسنید ه و مطلوب به شمار می‌روند اما در عین حال، ممکن است تهدیدهای حیثیت و آبروی افراد محسوب شوند. از جمله این ضررهای تهدیدکننده، **هتک حیثیت** است و از آن جایی که جنبه‌های غیر مالی شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌گمان خسارتی معنوی به شمار می‌رود نتیجه این سخن چیزی جز این نیست که عامل ورود خسارت هتک حیثیت نیز به مانند همه ضررهای مادی و معنوی دیگر، به لحاظ حقوقی در برابر آن دیده مسئولیت مدنی دارد و باید به طریق مناسب به جبران آن بپردازد زیرا در دنیای امر و زی کمتر حقوقدان یا کشوری یافت می‌شود که علی‌رغم اختلاف نظر در طرق جبران خسارت، در لزوم یا قابلیت جبران آن تردیدی به خود راه دهند.

در ایران نیز اگرچه تا کنون دکترین حقوقی و قانونگذاران در جریان تدوین و تصویب قوانین موجود از قانون اساسی گرفته تا قوانینی با صبغه کیفری غیر آن که شاید، مهم‌ترین آن‌ها، قانون مسئولیت مدنی و اخیراً قانون آیین دادرسی کیفری است، به طور کلی بوسه‌لایت مدنی ناشی از خسارات معنوی تمرکز نموده‌اند اما در مورد خسارت معنوی هتک حیثیت به طور خاص، آن گونه که باید پرداخته نشده است. بر عکس در کشور انگلستان تقریباً از اوایل قرن وسطی، تلاش برای تبیین این مفهوم به طور خاص و قابلیت جبران آن در دادگاه‌ها آغاز شده و قوانینی هم در این راستا تصویب و آرای قابل توجه بسیاری نیز که عمدتاً بیانگر رویکرد این کشور به جبران مالی این خسارت می‌باشد به تصویب رسیده است.

بنابراین این مقاله در صدد است که ضمن تحلیل و بررسی محدودیت‌ها و ظرفیت‌های دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، رویکرد دو ستاوردهای این نظام حقوقی را به عنوان یکی از کشورهای پیشرفته در این زمینه بررسی نماید. برای نیل به این مقصود ابتدا، مفهوم هتک حیثیت را با جماعاً لاسپرنموه و پس از آن، به ترتیب به منابع قانونی موجود در این باره، خواهان این خسارت و روش‌های جبران آن پرداخته و وجه قضایی دو کشور را مقایسه می‌نماییم و در پایان نیز به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادت خواهیم پرداخت.

مفهوم هتک حیثیت^۱

پیش از پرداختن به بحث جبران این خسارت و روش‌های آن، لازم است معنی این اصطلاح روشن شود. البته در همین ابتدا باید گفت که بررسی دقیق ماهیت و مضامین امر و مرز بندی میان هتک حرمت و آزادی‌هایی همچون آزادی بیان یا رسانه و همچنین سایر خساراتی که آبروی افراد را خدشه دار می‌نماید، نیازمند بررسی گسترده و جامعی در هر دو کشور است که هدف اولیه تحقیق حاضر نبود و باید تفصیل بحث را به فرصتی دیگر موکول نمود. از این رو در این جا صرفاً به تعاریف گفته شده

بسنده می‌کنیم.

اهتک حیثیت در قوانین ایران تعریف نشده است. البته نمی‌توان بر قانونگذار خرده گرفت زیرا **هتک حیثیت** نیز مانند سایر خسارات معنوی از موضوعاتی به شمار می‌رود که تشخیص آن با عرف است و بنابراین تعریف آن، کار به غایت دشواری است. اندیشمندان داخلی نیز، هریک با توجه به دیدگاه خود **تعریفی** از این اصطلاح ارائه داده‌اند. دکتر لنگرودی در تعریف هتک حرمت بیان داشته: «هتک در لغت به معنی پاره کردن است و در اصطلاح به معنی تجاوز به اشخاص و ... آنان و جریحه دار کردن افکار عمومی است به طوری که متجاوز، مشمول کیفر مقرر در قانون جزا گردد. هتک حرمت، اعم از افترا و توهین است.» ایشان در ادامه، عناصر این دو جرم اخیر را می‌شمرد و می‌گوید: اهانت، قول، اشاره یا عملی است که متضمن اسناد نبوده و به نحوی از انحاء در حیثیت متضرر از ایجرام، نوعی وهن وارد کند. افترا متضمن اسناد است و حال این که توهین غالباً با الفاظ فحش و تحقیر محقق می‌شود (لنگرودی، ۱۳۴۶: ۷۶۱ و ۱۸۲). از آنجا که در اینجا هتک حیثیت، به مثابه یک جرم در نظر گرفته شده^۲ و به حکم ارت معنوی، چنین تعریفی در دامنه پژوهش ما قرار نخواهد گرفت.

برخی در تبیین این خسارت معنوی گفته‌اند: «منظور از هتک حرمت و حیثیت عبارت است از اعمال هرگونه خشونت و سلب آزادی از شخص به جز آن چه قانون معین کرده است، مثل کتک زدن، شکنجه و آزار کردن، استهزاء و توهین نمودن، دشنام دادن یا تحت فشار گذاشتن مثل ندادن خوراک، آب، پوشاک و درمان و خلاصه هر گونه بی‌حرمتی که مغایر با شئون و اصول انسانیت باشد. (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۰، ص ۴۹). یا «هتک حیثیت یا خدشه دار کردن آن به معنی ورود خسارت معنوی به شخص است که ممکن است از توهین و افترا و نیل به دن اعمال خلاف واقع ناشی شود یا اینکه بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی و یا دست اندرکاران قضایی رخ دهد؛ به این صورت که با دلایل واهی در مظان اتهام قرار گرفته و تعقیب، بازداشت و حتی محکوم شو و طی بعد از پلوشن شدن حقیقت، تبرئه گردد» (کبیری شاه آباد، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

در تعریف دیگری آمده است: «هتک حرمت یا حیثیت شامل هرگونه گفتار شفاهی یا کتبی متضمن یک اظهار خلاف واقع در مورد یک شخص حقیقی حیوانیت و به اعتبار و حیثیت آن شخص در جامعه خسارت وارد می‌کند». (انصاری و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۹۲ و صادقی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

از مجموع تعاریف مزبور استنباط می‌شود که هتک حرمت در ایران در دو معنای خاص و عام به کار رفته است. در معنای خاص آن عبارت از هرگونه گفتار یا اظهار خلاف واقع و توهین آمیزی است که حیثیت شخص را در جامعه خدشه دار می‌کند که مواز آن مانند توهین یا افترا در این معنا جای می‌گیرند و در معنای عام آن شامل انواع عملی است که به حرمت انسانی لطمه وارد می‌آورد مانند بازداشت‌های غیر قانونی. البته

۲. در این باره، رک: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، فصل بیست و هفتم- در افترا و توهین و هتک حرمت (مواد ۶۹۷-۷۰۰)

هرچه قدر هم این مفهوم را عام و گسترده تلقی نمایم، در تطبیق برخی از مصادیق ذکر شده مانند آزارهای جنسی فی حد نفسه و قبل از انتشار،^۳ یا ندادن خوراک و پوشاک یا این خسارت تردید و جود دارد چرا که به نظر می‌رسد این افعال، صرفاً درون افراد را تخریب می‌کند و منجر به صدمات روحی و جسمی می‌شوند در حالی که زمانی هتک حیثیت عنوان یک خسارت معنوی قابل پیگیری است که با هدف تنزل ارزش واقعی یک فرد در جامعه و در ارتباط با سایرین، صورت گرفته باشد یعنی، موقیعت و منزلت اجتماعی فرد را در میان دیگران، خدشه دار نماید و آن‌ها از این امر مطلع شوند. همان گونه که تعریف اخیر به خوبی به آن اشاره می‌نماید.

در نظام حقوقی انگلستان، هتک حیثیت از سایر خسارت وارد بر آبرو و حرمت اشخاص مجزا و ارکان و شرایط مطالبه هر یک مشخص شده است. در این کشور شبه جرم‌هایی که حیثیت و آبروی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از: افترای کتبی^۴ و شفاهی^۵، دروغ‌های شریانه^۶ و تعقیب و دستگیری توأم با سوء نیت یا به عبارت دیگر، دعوای ایدایی^۷. به طور خاص، هتک حرمت^۸ شامل شبه جرم‌های افترای کتبی و شفاهی (لفظی)، می‌شود. p365,2000, Harpwood

افترای کتبی، یک بیان و اظهار توهین آمیزی بصورت دائمی است که از آن به هتک حرمت پایدار یاد می‌شود. در مواردی که هتک حرمت از طریق روزنامه، نشریات، کتب و مقالات و یا حتی مواردی که گفتارهای توهین آمیز از طریق اینترنتی روی یک سایت، به نحوی برای گیرنده که برای بیش از یک بار، قابل دسترس باشد، مصداق هتک حرمت پایدار است است. (Henry Perritt & P., 1992, p.97). همچنان که هتک حرمت از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون، تئاتر و فیلم‌های بی‌نویی^۹، و حتی سخنرانی‌های ضبط شده هتک حرمت پایدار تلقی می‌شود. (ر.ک: کری و ساندرا، ۱۳۸۶، ص ۷۴).

افترای شفاهی اظهارات توهین آمیز صرفاً زودگذر است؛ مانند حرکات و اشارات و کلماتی که گفته می‌شود و ضبط نمی‌شود. این نوع از افترا، صرفاً یک شبه جرم است در حالی که افترای کتبی می‌تواند همچنان که یک شبه جرم

۳. باید توجه داشت که ماده قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «دختری که در اثر اعمال حیله یا تهدید و یا... حاضر به همجواری نامشروع شده می‌تواند از مرتکب، علاوه بر زیان مادی و بان معنوی هم مطالبه کند» صرفاً مطالبه خسارت معنوی را مجاز دانسته اما به قسم نوع آن اشاره ای کرده است. بنابراین این نمی‌توان گفت این ماده به عنوان یکی از مصادیق هتک حیثیت، قابل استناد است.

4. Libel
5. Slander
6. Injurious falsehood
7. Malicious prosecution
8. Defamation

۹. مواد ۱۶۶ و ۲۰۱ قانون پخش برنامه مصوب سال ۱۹۹۰

۱۰. ماده ۴ قانون تاتر مصوب ۱۹۶۸

است، یک جرم هم باشد. (Harpwood, 2000, p368).
فایده تفکیک این دو در مساله شدت ضمانت اجراها و مسئله اثباتی آن است. در مواردی که شخص مدعی خسارت ناشی از هتک حرمت گذرا (slander) است باید یک خسارت معین و به عبارت دیگر یک زیان مالی و افعی اثبات نماید، به غیر از چند مورد استثنا. در حالیکه در هتک حرمت پایدار (libel)، چنین ضرورتی وجود نداشته در چند سطر بالاتر، تعریف و مصادیق هر دو مورد آمده است. (خطوط زرد رنگ) و صرفاً اثبات توهین کفایت نمود یعنی بن اصطلاحی النفسه مسئولیت آفریننده و ملازمه با ورود خسارت و ضرر بر خواننده دارد. (صادقی، همان، ص ۱۵۹). لازم به ذکر است که این تمایزات در مورد افترای کتبی و شفاهی در حقوق انگلستان، مورد انتقاد واقع شده و علی‌رغم وجود پیشنهادی حذف آن همچنان در نظام حقوقی انگلستان وجود دارد.

در هر حال، برای آن که اظهارات گفته شده چه در قالب افترای کتبی و چه محدود افترای شفاهی قابلیت تعقیب و پیگیری داشته باشند، شرایطی لازم است اولاً، اظهارات توهین آمیز، غیر از مدعی باید برای شخص ثالثی هم منتشر شود با این توضیح که چنین شرطی، در افترای جزایی نیاز نیست. قرار دادن اظهارات توهین آمیز در یک پاکت نامه و ارسال به یک شخص اشتباه؛ صحبت کردن با صدای بلند درباره مدعی تا جایی که مردم همان حوالی بتوانند از فاصله دور صدای او بشنوند؛ فرستادن نامه‌ای به شخص مدعی، در شرایطی که احتمال دارد نامه به وسیله شخص ثالثی باز شود، مانند یک منشی یا دفتردار یا انتشار در اینترنت، نمونه‌های نشر محسوب می‌شوند. ثانیاً این اظهارات باید، به یک مدعی مشخص و قابل شناسایی بدون توجیه و دلیل قانونی، اشاره نماید. (Curter, 1997, p.102).

امادر مورد این که چه چیزی، اظهار یا گفتار توهین آمیز تلقی می‌شود، لرد آتکین در دعوی Sim v Stretch در سال ۱۹۳۶، به آن اشاره می‌کند:

«یک بیان یا اظهاری که نوعاً تمایل به پایین آوردن شخص مدعی در پل و رد ذهنی افراد جامعه دارد و به طور خاص منجر به این امر می‌شود که به شخص مدعی زیان با احساساتی همچون، نفرت، تحقیر، تمسخر، ترس و یا ناچیز و بی‌اهمیت، نگریسته شود. اگرچه بد استعمال کردن‌های عوامانه ساده، توهین آمیز تلقی نمی‌شود، سایر اظهاراتی که به قصد شوخی یا طنز (هجونامه)، بیان می‌شوند، می‌توانند قابلیت اقامه دعوا داشته باشند. اقوال و اظهاراتی که ویژگی‌های اخلاقی و معنوی یک شخص و یا صلاحیت شغلی وی را منعکس می‌کنند، به وضوح، توهین آمیز تلقی خواهد شد. البته، آن چه که در مورد یک سن خاص، توهین آمیز به نظر می‌آید، لزوماً در سطوح سنی دیگر، این گونه نیست». (Harlow, 1987, p.105)

طبق قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، یک اظهار در صورتی توهین آمیز تلقی می‌شود که انتشار آن، سبب لطمه جدی به حیثیت و آبروی مدعی شده یا احتمال آن برود. در مورد اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری، صدمه جدی به آبرو در صورتی محقق می‌شود که شرکت دچار رکود مالی شود و از این حیث ضرر

ماده ۱۴ دلالت بر جبران خسارت معنوی در قالب ضرر و زیان ناشی از جرم دارد ولی تبصره ۱ همین ماده به گونه ای تنظیم شده که بیانگر یک قاعده کلی در مورد جبران خسارت معنوی است. تبصره ۱۱ این ماده اشعار می‌دارد: زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

اما قانون مجازات اسلامی، در این باره ساکت است. در کتاب تعزیرات این قانون مصوب سال ۷۵، هتک حرمت، توهین و افترا، اعمال مجرمانه‌ای^{۱۳} هستند که در صورت تحقق ارکان و عناصر آن‌ها، مرتکب، مطابق قانون، مجازات خواهد شد و صرفاً ماده ۶۹۸ این قانون با عنوان نشر اکاذیب، اشاره‌ای به اصطلاح ضرر معنوی و اعاده حیثیت نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هر کس اکاذیبی اظهار نماید یا اعمالی را بر خلاف حقیقت... به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی، تصریحاً یا تلویحاً، نسبت دهد اعم از این که به نحوی از انحاء ضرر مالی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، به حبس از دو ماه تا دو سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محوم می‌شود». درست است که مجازات مجرم، موجبات تنبه وی و سایر افراد، آرامش و امنیت جامعه و تا حدی رضایت خاطر زیان‌دیده را فراهم می‌آورد اما فی الواقع خسارت معنوی وارده وی را جبران نمی‌نماید.

لازم به ذکر است در ماده ۵۸ قانون مجازات سال ۷۰، به جبران ضرر ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی اشاره شده بود که هم‌اکنون در ماده ۱۳ قانون فعلی (مصوب ۹۲) چنین مضمونی دیده می‌شود.

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز در موادی به این خسارت و نحوه جبران آن پرداخته است. با توجه به این که رسالت مطبوعات، بالا بردن سطح آگاهی‌ها و بیان نظرات و انتقادات و تأمین و توسعه آزادی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است، بسیار محتمل است که سهواً یا حتی عمداً، حیثیت و آبروی افراد در معرض آسیب باشد. از این رو اصل ۲۴ قانون اساسی و مواد ۳ الی ۶ قانون مطبوعات، علی‌رغم تأکید بر آزادی مطبوعات محدودیت‌هایی را احصاء نموده که از جمله آن، ممنوعیت انتشار مواد توهین‌آمیز به طرق گوناگون اعم از نوشتاری، انتشار عکس کار یکا تو و .. است همین راستا، ماده ۲۳ این قانون بیان می‌دارد: «هرگاه در مطبوعات، مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص مشاهده شود، ذینفع آن شخص از طرف یک ماه، کتاب برای همان نشریه بفرستد. نشریه مزبور موظف است این گونه پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود در همان صفحه و ستون یا همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی بچاپ برساند به شرط آن که متضمن توهین و افترا به کسی نباشد....». به موجب

ببیند.^{۱۱} همچنین طبق بخش ۱۵ همین قانون منظور از اظهار و بیان «Statement»، کلمات، عکس‌ها، اشکال و تصاویر بصری، حرکات و اشارات یا هر مورد دیگری است که موید این مفهوم باشد.

دروغ شریانه یا بیان کذب از روی سوء نیت هم، شامل انتشار اظهارات بی اعتبار درباره کیفیت کالاها یا خدمات یک شخص می‌شود. مدعی باید بتواند این‌ها را ثابت نماید: انتشار اظهارات، وجود سوء نیت از جانب مدعی علیه، و این که وی متحمل کاهش یا نقصان در نتیجه این انتشار شده است. شبه جرم دعوی ایدایی نیز، برای آن‌هایی که بدون دلیل قانونی و به همراه سوء نیت، مورد تعقیب یا دعوا واقع می‌شوند، جبران خسارت یا غرلمانی، تدارک می‌بیند. Harp-wood (۲۰۰۰: ۴۰۱).

منابع قانونی ممنوعیت هتک حرمت و لزوم جبران آن

در نظام حقوقی ایران با توجه به تعالیم اسلام، حرمت و آبروی اشخاص همانند جان و مال آن‌ها مصون از تعرض شناخته شده و مشمول حمایت‌های قانونی است. همین‌سایس بر لزوم رعایت حیثیت و اشخاص و ضرورت جبران آن در قوانین متعددی، از قانون اساسی گرفته تا قوانین خاص با صبغه کیفری و غیر کیفری، تأکید گردیده که در این قسمت بررسی می‌گردد.

منابع قانونی موجود حقوق ایران

در اصل دوم قانون اساسی ما، به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی او به عنوان یکی از مبانی نظام جمهوری اسلامی تصریح شده است. طبیعی است با چنین رویکردی، خسارت به این مهمی در این قانون مغفول واقع نمی‌شود. بر همین مبنا، به موجب اصل ۲۲، حیثیت افراد به مانند جان و مال اشخاص از تعرض مصون است و لازمه این مصونیت این است که تجاوز به آن مسئولیت عامل را در پی داشته باشد. این اصل مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین اصول ۳۶ و ۳۷ به طور ضمنی و اصول ۳۹ و ۱۷۱، صریحاً به این امر اشاره دارد. بر طبق اصل اخیر، خسارت معنوی باید جبران و از متهم اعاده حیثیت گردد.

یکی دیگر از منابع قانونی که در مواد مختلف، صریحاً، خسارات وارد بر حیثیت را به عنوان یک خسارت معنوی قابل جبران دانسته، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است. ماده ۱۱ این قانون به طور کلی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی یا در نتیجه بی احتیاطی ... به حیثیت یا شهرت تجارتي یا ... لطمه وارد کند که موجب ضرر مطلق یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». در ادامه مواد ۸ و ۱۱۰ این قانون^{۱۲}، اختصاصاً به خسارت هتک حرمت و آبروی افراد می‌پردازد و طریق جبران مالی هتک در این مورد، تأیید می‌کند.

از منابع دیگر، ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (جدید) مصوب ۹۲/۱۲/۴ مجلس و تبصره‌های آن است. هر چند که متن

۱۳. ر.ک: کتاب پنجم، مواد ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۵، ۵۱۳، ۵۱۴ و مواد ۶۹۷ الی ۷۰۰ قانون مجازات اسلامی.

11. section 1 of defamation act 2013

۱۲. در قسمت روش‌های جبران، تفصیل این دو ماده خواهد آمد.

تبصره ۳ همین ماده، اگر نشریه از این کار امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نکند، شاکمی می‌تواند به به دادستان شکایت و ایشان هم در صورت حراز صحت، به نشریه جهت نشر پاسخ اخطار می‌کند و اگر این اخطار مؤثر نباشد پاره پس صد ور تو قیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌دارد.

به موجب مواد ۲۶ و ۲۷، توهین به دین اسلام، مقامات مذهبی و هبری جامعه، ممنوع است و مجازات‌هایی چون لغو پروانه و مجازات مدیر مسئول و نویسنده رادر پی دارد. طبق ماده ۳۰ و ۳۱ هم، انتشار مطالب یا نسبت های توهین آمیز ممنوع بوده و علاوه بر معرفی سفیدریل به محاکم قضایی، تبصره ۱ ماده ۳۰ مقرر می‌دارد: «در موارد فوق، کی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و خسارت را و مورد حکم قرار دهد».

هرچند این ماده نشان دهنده اهمیت جبران خسارت ناشی از هتک حیثیت است اما متأسفانه متن اولیه این تبصره که صریحاً به جبران خسارت مادی و معنوی اشاره کرده بود، مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد: این بود در این باره بدون اقامه دلیلی، بیان داشته است: «در تبصره ۱ ماده ۳۰ که طرح دعوی خسارت معنوی، مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی شده، تقویم خسارت معنوی به مال و امر مادی مغایر موازین شرعی است. البته رفع هتک و توهین که به شخص شده به طریق مناسب با آن در صورت مطالبه ذیحق، لازم است». (مهرپور، ۱۳۷۱: ۳۴۰) به همین دلیل، مجلس برای تأمین نظر شورا، کلمه مادی و معنوی به دنبال خسارت را حذف نمود و ماده به شیوه فوق‌الذکر، تأیید شد. با توجه به این نکات، در حال حاضر، در صورت انتشار مطالب توهین آمیز در مطبوعات، صرفاً، امکان جبران خسارت غیر مالی و جود دادگاه مری که مغایر قانون مسئولیت مدنی است و البته این قانون نیز مورد ایراد شورای نگهبان واقع نشده است! از دیگر منابع قانونی می‌توان به تبصره ۴ ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی ۱۳۶۷ در مورد جبران خسارت ناشی از بازداشت اشخاص به دلیل گزارش خلاف واقع، بند ۴ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲، ماده ۶۴ قانون انتخابات ریاست جمهوری اصلاحی ۹۱ و تبصره ۳ ماده ۲ قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان مصوب ۱۳۹۱، اشاره نمود.

منابع قانونی در انگلستان

توجه به هتک حیثیت و جبران آن در انگلستان تقریباً وایل قرون وسطی بر می‌گردد که در این زمان، حیثیت و اعتبار اشخاص به وسیله مولفان و حقوقدانان مادی و غیر مادی، بیش از حد مورد حمایت قرار گرفت و در جریان ملی کردن عدالت^{۱۴}

14. Nationalization of justice

اواخر قرون وسطی، همزمان با تحول نظام قضایی انگلستان است در این دوران ابتدا توسط قضات و سپس با تشکیل دادگاه‌های یک شکل در کل سرزمین زیر سلطه پادشاه، نظام قضایی یکدست و ملی شکل گرفت و نظام قضایی متفرق و وابسته به نظام اربابی از میان رفت.

(توضیح در پاورقی) توسط قضات سلطنتی، حوزه قضایی دادگاه‌های اربابی و همچنین با فشارهای بیشتر، قلمرو دادگاه‌های کلیسایی دچار اضمحلال و همگی جذب دیوان‌های سلطنتی شدند و دادگاه‌های اخیر، در مورد هتک حیثیت، صلاحیت قضایی یافتند. البته در اواخر قرن شانزدهم، مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و سیاسی، سبب شدند که قضات دادگاه‌های سلطنتی تنها به جبران خسارتی محدود و دیرا ساس فرایندی گزینشی در این باره اکتفا نمایند.

در اوایل قرن هفدهم، با ظهور استعداد‌های بالقوه مطبوعات چاپی، فوق سلطنت مطلقه و با تأثیر پذیری از حقوق رومی البته بدون در نظر گرفتن محدودیت‌های آن مقرر خاصی برای اولین بار در مورد هتک حیثیت مکتوب یا چاپ شده در حقوق کیفری تصویب شد و در نهایت سه عنوان یکی از اصول حقوق مسئولیت مدنی نیز پذیرفته شد. در واقع، دکترین اولیه حقوق کامن لابر هتک حیثیت شفاهی یا همان «slander» مبتنی بود و دکترین منع از حقوق روم، هتک حیثیت مکتوب یا چاپی «libel» را شکل داد. (Veeder, ۱۹۰۳: ۵۴۷-۵۴۶).

به هر حال، امروزه هتک حیثیت، اعم از شفاهی یا کتبی، از اسباب مهم مسئولیت مدنی به شمار رفته و قوانین متعددی در این زمینه به تصویب رسیده است. از جمله این قوانین می‌توان به قانون هتک حیثیت مصوب ۱۹۰۲ و قانونی که اخیراً در سال ۲۰۱۳، به تصویب رسیده است اشاره نمود. قانون مصوب ۱۹۵۲ از جمله قوانینی است که توهین از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی را مورد توجه قرار داده است. (۱۹۹۶: ۱۴۴، Graham)

قانون پیش بینی یک آیین رسیدگی در مورد پر و نده های افترا به میزان ده هزار پوند به همراه ارزیابی خسارت توسط قضات و بدون حضور هیئت منصفه از نقاط قوت قانون هتک حیثیت ۱۹۹۶ محسوب می‌شود. هدف از پیش بینی این شیوه دادرسی جدید، رد نمودن ادعاهای ضعیف پیش از افزایش هزینه است. این گونه ادعاها ممکن است در دادگاه بخش مورد رسیدگی قرار گیرند.^{۱۶} در موارد تهمت غیر عمدی به کار رفته در روزنامه‌ها و مطبوعات، دستور سه دفعه پیشنهاد اصلاحات^{۱۷} از دیگر مزایای این قانون، است؛ به این نحو که خواننده باید اصلاحیه و عذرخواهی مناسبی منتشر و خساراتی را که به وسیله قاضی برآورد شده است، جبران نماید.^{۱۸} این دفاع، تاحدودی برطرف کننده نواقص دفاع غیر عمدی مندرج در بخش ۴ قانون هتک حرمت ۱۹۵۲، است.

دفاع مشابهی نیز در بخش دوم قانون افترای کتبی مصوب ۱۸۴۳^{۱۹} با عنوان عذرخواهی و پرداخت به دادگاه^{۲۰} وجود دارد

15. defamation Atc 1952

16. section (8) & (9) of Defamation Act 1996

17. offer of amends

18. section (2)& (3) of Defamation Act 1996

19. section (2) of libel Act 1843

20. apology and payment into court

این خسارت شوند؛ زیرا خسارات وارد بر آنان غیر مستقیم است مگر این که فعل زیانبار اشاره یا دلالت بر شخص آسیب دیده نیز بنماید که او نیز می‌تواند در صورت اثبات آن، خواهان جبران خسارت وارده شود. (ر.ک: باریکلو، ۱۳۸۵: ۲۱۷). مانند زمانی که حیثیت یا آبروی فرد به دلیل توقیف غیر قانونی همسرش، خدشه دار گردد. (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۳۷). به عبارت بهتر باید گفت در این مثال، همسر یا بستگان، خواهان جبران خسارت ناشی از مخدوش شدن حیثیت و اعتبار خود می‌شوند که به حکم قواعد فقهی مانند لاضرر و اصل جبران خسارت، باید جبران شود نه این که به سبب رابطه زوجیت یا خویشاوندی بتوانند دعوی از این حیض طرح نمایند. پس «خواهان در دعوی جبران خسارت، معمولاً کسی است که بی واسطه و مستقیم از فعل زیانبار متضرر شده است. شخصی هم که در اثر خسارت وارد به دیگری متحمل خسارت به طور مستقیم شده باشد در صورت اثبات آن می‌تواند تقاضای جبران آن را نماید». (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۵۰-۲۵۱) در انگلستان نیز، هر شخصی که بتواند ثابت نماید که کلمات توهین آمیز به او نسبت داده شده است می‌تواند برای هتک حرمت طرح دعوی کند. (Harlow, ۱۹۸۷: ۷۲)

اشخاص حقوقی و خسارات جمعی

به طور کلی در مورد جایگاه اشخاص حقوقی در انگلستان، کمی تردید وجود دارد لکن به نظر می‌رسد که شرکت‌های تجاری دارای شخصیت حقوقی حق دارند از این جهت یعنی هتک حیثیت، اقامه دعوا کنند. در سال ۱۹۹۴، آپ جون، سازنده داروی «هالسیون»، علیه بی بی سی و سایرین به دلیل ادعایی مبنی بر این که سازندگان این دارو، خطرات جانبی آنرا که در طی بیست سال بر افراد تأثیرگذار است، مخفی نموده‌اند، طرح دعوا کردند. نمونه دیگر، دعوی South Hetton Coal Company v North Eastern News Association Ltd در سال ۱۸۹۴ است که حق اشخاص حقوق خصوصی در مطالبه خسارت ناشی از هتک حیثیت و اقامه دعوی را به رسمیت می‌شناسد. اما در قضیه در بی شر علیه روزنامه تایمز در سال ۱۹۹۲، مجلس اعیان طی حکم خود بیان کرده صاحب منصبان (مقامات دولتی و محلی)، در حقوق کامن لا حق اقامه دعوی هتک حیثیت را ندارند. این تصمیم توسط لرد کیت این گونه توضیح داده شده است:

«بالا ترین اهمیت و ارزش عمومی آن است که یک نهاد دولتی برگزیده شده از نظر اصول دموکراسی یا فی الواقع هر نهاد حکومتی نباید مانع انتقادات عمومی شود. ترس از اقامه دعوی مدنی یا تهدید به اقامه دعوی مدنی به جهت هتک حرمت، بی شک اثر بازدارنده بر آزادی بیان خواهد داشت». دادگاه تجدید نظر نیز در حکم خود بیان کرده است که مجاز بودن مقدمات محلی برای طرح دعوی افترا، عمدتاً مانع آزادی

که البته به دلیل عدم مزایای عملی آن به نفع به کار می‌رود. (Harpwood, ۲۰۰۰: ۳۷۹). این قانون به تصریح بخش ابتدایی آن در جهت حمایت بیشتر از شخصیت اشخاص و امنیت موثرتر آزادی مطبوعات و همچنین، جلوگیری بهتر از سوء استفاده در زمینه اعمال آنچه آزادی گفته می‌شود به تصویب رسیده است. یک ویژگی بارز قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، پرداختن تفصیلی به دفاع‌هایی است که خواننده می‌تواند در برابر ادعای خواهان جبران خسارت هتک حیثیت به آن‌ها متوسل شود. حقیقت و درستی (Truth) اعتقاد با حسن نیت (Honest Opinion) و انتشار در مورد یک مسئله منفعت عمومی (Publication on matter of public interest) از این قبیل دفاع‌ها محسوب می‌شوند.^{۲۱} اهمیت این دفاعیات از آن جا ناشی می‌شود که انگلستان، نظام حقوقی مساعد به حال خواهان است؛ زیرا اولاً فرض بر این است که اظهارات توهین آمیز، اشتباه هستند و بار اثبات درستی اظهارات بر عهده خواننده است و ثانیاً عاملان این زیان، در صورتی که هیچ دفاع مثبتی وجود نداشته باشد، مسئولیت محض دارند. در واقع، لازم نیست که زیان دیده اثبات نماید که خواننده می‌دانسته اظهارات توهین آمیز اشتباه بوده‌اند یا حتی در رابطه با درستی یا نادرستی اظهارات بلای حتمی یا مسامحه رفتار کرده است. (Johnson, ۲۰۱۷: ۲۷)

در کنار قوانین ذکر شده، منابعی نیز وجود دارد که بنابر مورد، این خسارت جبران آن را مد نظر قرار داده است. مواد ۱۶۶ و ۲۰۱ قانون پخش برنامه مصوب سال ۱۹۹۰^{۲۲} و ماده ۴ قانون تناثر مصوب ۱۹۶۸^{۲۳}، از این قبیل هستند. همچنین در سال ۱۸۹۱، به طور خاص در مورد زنان قانونی در این باره تصویب شد^{۲۴} که بر اساس آن، نسبت دادن بی عفتی به زنان و دختران و هتک حرمت آن‌ها، موجب مسئولیت مدنی عامل می‌شد. هم اکنون این قانون به موجب بخش ۱۴ قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، منسوخ شده است.

خواهان خسارت هتک حیثیت

با توجه ممنوعیت هتک حرمت و لزوم جبران آن در منابع قانونی، نکته حائز اهمیت این است که چه کسانی مستحق مطالبه این خسارت هستند. پاسخ این سؤال به ویژه در مورد اشخاص حقوقی، زبان‌های جمعی و همچنین وراثت قانونی متوفی، متضمن بررسی بیشتری است که در این قسمت، به آن پرداخته شده است.

مطالبه خسارت از سوی اشخاص حقیقی

در حقوق ایران آنچه از قواعد و اصول حقوقی می‌توان استنباط نمود این است که در ضرر معنوی ناشی از توهین یا استعمال الفاظ ناخوشایند، فقط کسی که مخاطب توهین یا الفاظ ناخوشایند است می‌تواند خواهان جبران خسارت شود و دیگران مانند بستگان وی که از شنیدن یا دیدن آن موجب ضرر، آسیب معنوی به آنان وارد شده، نمی‌توانند خواهان جبران

۲۵. هر چند در مورد فرض اخیراً قابل توجهی یافت نشد اما در مورد قسم دیگر خسارات معنوی یعنی صد ما توحی، رأی‌هایی دیده می‌شود که با وحدت ملاک می‌توان آن را به خسارت وراثت حیثیت هم تسری داد. مانند دادنامه شماره ۳۶۷-۱۳۶۸/۱۰/۲. به نقل از کامیار، ص ۵۲

21. section (2), (3), (4) of Defamation Act 2013.

22. Broad Casting Act 1990

23. Theater Act 1968

24. Slander of women Act 1891

بیان خواهد بود و مغایر ماده ۱۰ معاهده اروپایی حقوق بشر است.

البته لازم به ذکر است که کارمندان شخصی یک نهاد دولتی، می‌توانند شخصاً در جهت حق شخصی خود، اقامه دعوا نمایند و مقامات محلی نیز در حال حاضر مجاز به اقامه دعوی کیفری هستند. همچنین مقامات محلی می‌توانند در جهت جبران خسارات ناشی از دروغ شریانه، اقامه دعوا نمایند. (Harwood: ۲۰۰۰، ۳۷۰-۳۶۹)

در ایران، تقریباً اتفاق نظر بر این است که در صورت خسارات وارد بر حیثیت و اعتبار اشخاص حقوق خصوصی، این خسارت از طریق نماینده قانونی آنان قابل مطالبه است چرا که شخص حقوقی به استناد ماده ۵/۸۵ ق.ت. از تمام حقوق مدنی متمتع است مگر حقوقی که مخصوص طبیعت شخص حقیقی است. (باریکلو، ۱۳۸۵: ۲۱۸ و مهمان نوازان، ۱۳۸۹: ۱۲۳) اما در مورد اشخاص حقوق عمومی، این گونه نیست. برخی از حقوقدانان در جایگاه موافق یا مخالف امکان مطالبه جبران خسارات وارد بر حیثیت و آبرو، یژه هنگامی که از یک جرم ناشی شده باشد، نظرات خود را بیان نموده‌اند (ر.ک: نقیبی، ۱۳۸۶: ۳۶۳-۳۶۵). اما در مورد قابل جبران بودن خسارت هتک حیثیت به طو مستقل و نه به واسطه یک جرم، در حقوق ایران، دلایل روشنی ابراز نشده است.

اگر چه به طور نظری می‌توان گفت که مطالبه زیان ناشی از این خسارت به وسیله اشخاص حقوق عمومی بر طبق قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی جایز است و دادگاه می‌تواند علی‌رغم پیچیدگی‌های خاص این موضوع، حکم به جبران خسارت صادر نماید، به و یژه با توجه به تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات که در آن جا، هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی را مستحق مطالبه خسارت دانسته و هیچ نوع قید و محدودیتی به لحاظ عمومی یا خصوصی بودن شخص حقوقی دیده نمی‌شود، اما به لحاظ عملی و با توجه به نبود رویه قاطعی در این باره، به نظر می‌رسد که امکان مطالبه این خسارت از سوی دولت یا سایر اشخاص حقوق عمومی وجود نداشته باشد؛ «به ویژه که متداول‌ترین شیوه جبران خسارت معنوی وارد بر اشخاص، تعقیب کیفری و اجرای مجازات عامل زیان است، که در مقررات جزایی ایران نیز از این شیوه استفاده شده، مانند مجازات‌هایی که در قانون مجازات اسلامی در مورد داهانت به مسئولین یا غصب عناوین و مشاغل پیش بینی شده است.» (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۴۲) اما در مورد زیان‌های جمعی مانند زمانی که به آبرو یا حیثیت مردم یک محله یا دانشجویان یا پزشکان به طور کلی لطمه‌ای وارد شود، برخی معتقدند امکان مطالبه و جبران ضرر وجود ندارد؛ زیرا از یک طرف، جمعیت فاقد شخصیت حقوقی است؛ از طرف دیگر، اشخاص عضو یا وابسته به جمعیت نمی‌توانند اقامه دعوا نمایند؛ چون ضرری به شخص آنان وارد نشده است ولی مقامات عمومی، مانند دادستان، وزارت بهداشت، یا به طور کلی هر نهاد قانونی که فعالیت جمعیت مزبور را قلمرو سازمانی او است، می‌تواند از دادگاه صالح به استناد حفظ اخلاق حسنه و امنیت شغلی یا حیثیت صنفی اشخاص جامعه، خواهان قرار منع

یا توقف انجام فعل زیانبار توسط انجام دهنده شود؛ زیرا چنین ضرری در نهایت به جامعه وارد می‌شود و جامعه باید هزینه آن را بپردازد. (باریکلو، ۲۱۸ و ۲۱۹).

بر عکس بعضی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که خسارات جمعی نیز مانند سایر خسارات طبق اصول کلی جبران خسارت و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی باید جبران گردد. در این صورت اگر جمعیت دارای نماینده باشد و نماینده به موجب قانون یا قرارداد حق طرح دعوا و مطالبه ضرر و زیان را داشته باشد، فقط نماینده حق دادخواهی دارد و در غیر این صورت هر یک از افراد جمعیت، حق مطالبه خسارت را مستقلاً خواهد داشت. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۲). البته در ایران، طرح این دعوی معمولاً رو به قضایی هم وجود ندارد.

در انگلستان، اگر گروهی از مردم مورد تهمت واقع شوند، تک تک اعضای آن در صورت قابل شناسایی بودن می‌توانند مطالبه خسارت نمایند. به عنوان مثال، بی کفایت معرفی کردن هیئت منصفه حقی در جهت مطالبه خسارت بیجا د نمی‌کند اما توصیف همه ۱۲ عضو یک هیئت منصفه خاص می‌تواند قابل پیگیری باشد. مجلس اعیان در جریان پرونده *Knupffer v London Express Newspaper Ltd* در سال ۱۹۴۴، ای گونه حکم داد که در مورد توهین به گروهی از افراد، هیچ شخصی نمی‌تواند در دعوی هتک حرمت موفق شود مگر این که بتواند شخصاً ثابت نماید اظهارات قابلیت استناد به او را داشته است یا این که به طور واقعی به او اشاره می‌کند. البته در یک مورد، به گروهی از روزنامه نگارانی که به عنوان نویسندگان وابسته به مشروبات الکلی توصیف شده بودند، غرمت پرداخته شد. بنابراین زیان‌های جمعی در انگلستان اصولاً در صورتی قابل مطالبه است که هر یک از افراد جمعیت بتواند، توهین مزبور را از اظهارات رانسیب به خود ثابت نماید (Johnson, ۲۰۱۷: ۶۵).

قائم مقامی وراث در مطالبه این خسارت

در صورت فوت زیان دیده اصلی، اختلاف نظر وجود دارد که آیا امکان اقامه دعوا به وراث منتقل می‌شود یا خیر. برخی معتقدند که در کل هدف از مطالبه زیان‌های معنوی، جبران تأثیر روحی و لطمه وارد شده به حیثیت زیان‌دیده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۷۳). در نتیجه این نظر، حقی که زیان‌دیده در جبران خسارت وارد بر حیثیت دارد به وراثان منتقل نمی‌شود.

برخی دیگر می‌گویند که خسارت معنوی ناشی از تهمت و افترا در صورتی به وراث منتقل می‌شود که او در زمان حیات، در مقام مطالبه برآمده باشد، در غیر این صورت، قابل انتقال به وراث نیست تا قادر به تعقیب آن باشند. (علی آبادی، ۱۳۶۸: ۳۷۶).

نظر دیگر این است که در صورتی که هدف، حفظ حیثیت و اعتبار متوفی باشد، به دلیل ارتباط دعوا به حیثیت بازماندگان، قائم مقامی آنان را در طرح دعوا باید یافت هر چند متوفی در زمان حیات، در مقام مطالبه برنیامده باشد، ولی در هر حال میزان خسارتی که آنان می‌توانند درخواست نمایند، محدودتر از چیزی است که شخص متوفی حق داشته است. (سلطانی

مواردی صرفاً می توان به یک قرار منع، و نه جبران خسارت متوسل شد. (Faulks, ۲۲:۱۹۷۵).

با این وجود، تلاش برای گنجانیدن ماده‌ای در قانون هتک حیثیت مصوب سال ۲۰۱۳، مبنی بر اقامه دعوی هتک حیثیت از سوی خویشاوندان متوفی، با شکست روبه رو شد. همچنان که در قانون هتک حیثیت ۱۹۹۶، نیز از این لحاظ، تغییری صورت نگرفت.

طرق جبران خسارت هتک حیثیت در حقوق ایران و انگلستان مهم ترین هدف مسئولیت مدنی، جبران ضرر و زیان‌های وارده به زیان دیده و اعاده وضع سابق است؛ این هدف حاصل نمی شود مگر زمانی که عامل زیان تعهدات خویش را اجرا نماید و به نحوی خسارت را جبران کند (نیک فرجام، ۶۱:۳۹۲). با توجه به این که روتس جبران هر خسارتی به متعلق آن متفاوت خواهد بود (قاسم زاده، ۱۳۸۸:۱۶۱). در اینجا هم به حسب نوع زیان، که خسارت وارده بر حیثیت و اعتبار اشخاص است، شرایط زیان دیده و عامل زیان و عوامل دیگر حاکم بر پرونده، دادگاه ممکن است شیوه‌های مختلفی را برای جبران خسارت انتخاب نماید. همچنین، جبران خسارت ممکن است با توافق زیان دیده و عامل رد زیان و بدون مراجعه به دادگاه، صورت پذیرد (نقیبی، ۱۳۸۸:۳۸۵).

به طور کلی، شیوه‌های جبرانی شناخته شده که از طریق دادگاه اعمال می شوند، عبارتند از اعاده وضع پیشین زیان دیده به وضعیت پیش از وقوع خسارت، پرداخت غرامت یا جبران خسارت از راه معادل، خسارات اسمی و خسارات تنبیهی (نقیبی، پیشین). در بگسپندی در بگر می توان نهارا به روش‌های جبران عینی و جبران بلی (حاجی عزیزی، ۶۳:۱۳۸۰) یا مالی و غیر مالی (مهمان نوزان، ۱۳۸۹:۲۱۲)، تقسیم نمود. اما باید دید در حقوق ایران و انگلستان، با توجه به دکتوری و قوانین موجود و ماهیت خاص خسارات وارده حقیقتاً روش‌هایی از میان موارد ذکر شده قابل اعمال است.

۵-۱. جبران عینی یا اعاده وضع پیشین زیان دیده

منظور از جبران عینی این است که ضرر به نحوی جبران شود که گویی از اصل زیان وارد نیامده است. اگرچه برخی جبران عینی را به عنوان یک روش جبران خسارت هیئت مدنی، نمی پذیرند لکن اکثریت با این رویکرد مخالفند (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰:۶۴) قانونگذار ایران نیز با ذکر نمونه‌هایی، از این روش در جبران خسارت هتک حرمت بهره برده است. از جمله قسمت اخیر ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبار او لطمه وارد شود... هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر، علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید»^{۲۷}؛ ناظر به اعاده وضع به حالت پیش از وقوع ضرر و رفع زیان موجود است از طریق الزام به عذرخواهی و

۲۷. در تبصره ۱ ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ نیز، که پیش از این شرح آن گذشت، این نوع جبران خسارت پیش بینی شده است.

نژاد، ۱۳۹۴: ۲۵۱). موافقان این نظریه می گویند ورثه ادامه دهنده شخصیت متوفی در اجرای حقوق مربوط به شخصیت و لراایی او هستند به خصوص در موردی که هدف از طرح دعوا حفظ حیثیت و اعتبار متوفی باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

لازم به ذکر است اگر وارث متوفی، مطالبه خسارت وارد بر خود را نماید، فرض جداگانه‌ای است که هیچ ارتباطی به وراثت آنان نداشته و مشمول اصل لا ضرر و جبران خسارت می باشد و باید جبران گردد (سلطانی نژاد، پیشین). به نظر می رسد تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات، ناظر به فرض اخیر است. این تبصره مقرر می دارد: «اگر انتشار مطالب توهین آمیز، راجع به شخص متوفی باشد اما عرفاً هتکی به بازماندگان وی، محسوب شود، هر یک از ورثه قانونی می توانند از نظر حقوقی و یا جزایی، اقامه دعوی کنند».

هرچند اقامه دعوا بویژه ادامه آن در مورد خسارت وارد بر حیثیت از سوی ورثه متوفی منطقی و موافق اصول حقوقی به نظر می رسد؛ اما با توجه به خلاء قانونی و نبود رویه قاطعی در این زمینه، می توان گفت، که در ایران برای ورثه، اقامه دعوا از این حیث امکان پذیر نیست.

در انگلستان، تنها برای اشخاص زنده، حق طرح دعوا شناخته شده زیرا شخص فوت شده در صورتی که اعتبارش لکه دار شود متحمل ضرری نمی گردد. در مورد اشخاص فوت شده تنها مجاز است که از درد و رنج آن‌ها صحبت شود. در واقع تنها شبه جرمی که در این کشور برآمدگی یا مدعی علیه از بین می رود همین دعوی هتک حیثیت است. مشهور است که با فوت Robert Maxwell^{۲۸} بیش از صد دعوی هتک حیثیت از بین رفت. حتی گفته شده اگر دعوی آغاز شده و مدعی بلافاصله قبل از محاکمه فوت نماید، دکتوری با فوت وی خاتمه می یابد. این امر از منظر خوانندگان یا مدعی علیه‌ها مهم است؛ زیرا این احتمال وجود دارد که این افراد در صدد باشند تا مراحل پیش از محاکمه را تا جایی که ممکن است در انتظار مرضی یا سالخوردگی مدعی به دراز بکشاند تا سرانجام وی فوت کند و دادرسی پایان یابد، کما این که در مواردی، چنین چیزی به وقوع پیوسته است. (Socha, ۴۷۵:۲۰۰۴). البته باید به خاطر داشت، در صورتی فوت خواهان پیش از شروع محاکمه، خواننده باید هزینه‌های شخصی خود را پرداخت نماید (۳۶۹: harpwood, ۲۰۰۰).

البته کمیته فالکس در سال ۱۹۷۵ در جهت بازبینی قانون هتک حیثیت، پیشنهاد داد: ورثه و نمایندگان قانونی متوفی باید این حق را داشته باشند که دعوی هتک حیثیت را به منظور دریافت خسارات عام و خاص و در جهت جلب منافع ماترک، ادامه دهند. همچنان که خویشاوندان نزدیک باید بتوانند به جهت اعلامیه‌ای که محتوای خاص آن، درباره شخص متوفی است و به صورت نادرست، منتشر شده دادخواهی نمایند. در چنین

۲۶. وی به نوشتن اظهارات توهین آمیز خنده آور بی شمار در روزنامه (Fleet Street) مشهور بوده است. (p.377.2000, Harpwood)

درج حکم درج‌اید، و هر وسیله دیگری که منبع زیان را از بین می‌برد.

حق پاسخگویی متقابل که در ماده ۲۳ قانون مطبوعات، پیش از این به تفصیل بیان شد، یکی دیگر از روش‌های جبران عینی محسوب می‌شود.

لازم بذکر است که انواع جبران‌های غیر مالی مذکور را در زمره جبران‌های بدلی غیر نقدی محسوب کرده‌اند. (السنهوری، بی تا: ۵۲ و سلطانی نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۱۳). اما به نظر می‌رسد حداقل به لحاظ نظری باید این موارد را جبران عینی دانست، زیرا به جهت ماهیت خاص ضرر معنوی، روش‌های اعاده وضع سابق (جبران عینی) در مورد آن نیز ماهیت خاص خود را دارند و نباید با امور مادی قیاس شوند ر.ک: (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ص ۱۰۲ و مهمان نوازان، ۱۳۸۹: ۲۱۴). هر چند در عمل، هیچ کدام از آن‌ها واقعاً مصداق کامل جبران عینی هتک حیثیت محسوب نمی‌شوند. (Lawson, ۱۹۸۰: ۵).

در ماده ۸ ق.م.م، جبران عینی به شکل امحای منبع زیان مطرح شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسئول جبران آن است. شخصی که در اثر انتشارات متعمد یا سایل مخالف با حسن نیت، مشتریانانش کم و یادر معرض از بین رفتن باشد می‌تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر، زیان وارده را از وارد کننده مطالبه کند».

اصطلاح اعاده حیثیت که در برخی از مواد قانونی مانند ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، به کار رفته، ناظر به همین قسم جبران خسارت است. در یک نگاه کلی، اعاده حیثیت، متعاقب اموی نظیر افتراء، نشر اکاذیب، انتشار هجویه و اشتباه قاضی در صدور حکم محکومیت مطرح می‌شود. «اعاده حیثیت به معنی بازگرداندن وضع افراد یا بابت تنزل حیثیت و موقعیت اجتماعی ناشی از طرح شکایت ناروا، به حالت سابق است و بطلان‌های مختلفی در دنیا امکان پذیر می‌باشد؛ یکی از این روش‌ها انتشار حکم بی گناهی اشخاص یا بطلان ادعای شاکی و سلامت رفتاری مشتکی عنه از طریق رسانه‌ها، روزنامه‌ها و مجراید یا هر طریق دیگری است که بتواند این حکم را به اطلاع عموم برساند. است». (نجفی توانا، ۲۰۱۷/۹/۱۴) طبق ماده ۱۷ قانون اقدامات تأمینی: «هرگاه منافع عمومی یا خصوصی... دادگاه دستور انتشار حکم برائت را پس از قطعیت به تقاضای ذی نفع یا متقاضی به هزینه اعلام کننده جرم، صادر کند».

در انگلستان، استفاده از قرار منع، تنها شیوه عینی جبران این ضرر است؛ زیرا اصولاً در این کشور، اثر اصلی مسئولیت مدنی تهدد عامل زیان به جبران نقدی خسارت است و بنا بر این جبران عینی به صورت استثناء اعمال می‌شود. (حاجی عزیزی، همان: ۶۶) شخصی که از یک تهدید قریب‌الوقوع (حتمی) نسبت به اعتبارش می‌ترسد ممکن است برای جلوگیری از نشر موارد توهین آمیز، تقاضای قرار منع نماید. در ابتدا، یک دستور منع موقتی حاصل و این دستور، اغلب، پیش از انتشار یا پخش

برنامه‌هایی با اظهارات توهین آمیز بالقوه، به صورت فوری داده می‌شود ولی بعداً، ممکن است که یک قرار منع دائمی صادر شود.

رسانه‌ها در اغلب موارد، قرارهای منع را شیوه‌ها برای محدود کردن آزادی بیان، می‌دانند. هر چند که همه اشکالات و موانع مربوط به ماهیت اختیاری جبران خسارت یعنی -جبران خسارتی که موقوف به صلاحیت و تشخیص دادگاه است- اعمال خواهد شد. (Barendt, ۱۹۹۷: ۱۲۱).

۵-۲- جبران بدلی یا معادل (پرداخت غرامت):^{۲۸}

باید توجه داشت که علی‌رغم این که جبران عینی، کامل‌ترین شکل جبران خسارت است ولی عمل، چنین مطلوبی کمتر رخ می‌دهد؛ ضمن آن که ضررهای گذشته را جبران نمی‌کند. به عنوان مثال، در خوشبینانه‌ترین حالت هم، انتشار هیچ حکم برائت یا عذرخواهی نمی‌تواند فردی که به ناروا محکوم و متحمل اجرای مجازات شده یا حتی‌تعامی به او نسبت داده شده است رها کند یا صاحب حرفه و مقامی که اعتبار حرفه‌ای چندین ساله‌اش به دلیل بیان و انتشار مطالب دروغین زیر سؤال است. از این رو و لازم است دادگاه‌ها به شیوه‌های دیگری از جبران خسارت متوسل شوند که عمده‌ترین آن‌ها، پرداخت غرامت یا جبران معادل است. هدف از دادن معادل این است که شخص زیان دیده در وضعیتی قرار گیرد که اگر فعل زیان‌بخش نمی‌پیوسته، توانسته‌بود وضعیت داشته باشد (نقیبی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۹-۳۹۰ و حسینی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰) جبران از طریق دادن معادل آن هم به صورت پولی، رایج‌ترین روش جبران خسارت هتک حیثیت و سایر خسارات در انگلستان است. البته در کنار آن دادگاه ممکن است خوانده را مکلف نماید که خلاصه‌ای از حکم را منتشر نماید یا دستور دهد موارد توهین آمیز بر روی سایت‌های اینترنتی حذف یا جریان توزیع و فروش مطالب توهین آمیز متوقف گردد.^{۲۹} لازم به ذکر است که عذرخواهی خوانده در اولین فرصت ممکن می‌تواند منجر به تخفیف در ارزیابی خسارت وارده شود (Harpwood, ۲۰۰۰: ۳۷۹).

در حقوق ایران، با توجه به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی، که تعیین میزان خسارت و انتخاب روش جبران را با توجه به اوضاع و احوال به دادگاه سپرده است؛ ماده ۹ همین قانون که بر جبران زیان مادی معنوی طوری همزمان و صدور حکم به خسارات مالی در صورت اثبات تقصیر در کنار سایر روش‌های غیر مالی تأکید می‌کند و ذیل ماده ۸ مبنی بر مطالبه زیان از وارد کننده آن، این روش جبرانی پذیرفته شده است.

همچنین با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب سال ۹۲) قلمرو خسارت معنوی و طرق جبرانی آن گسترش یافته و به موجب تبصره ۱ ماده ۱۴ این قانون خسارات معنوی و از جمله هتک حیثیت هم از طریق مالی و هم غیر مالی قابل

28. compensatory damages

29. Section (2) and (13) of Defamation act 2013

جبران است. لازم به ذکر است که هرچند حکم پیش بینی شده در این تبصره از جهت امکان جبران خسارت هتک حیثیت از طریق پرداخت پول، مشابه ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی است اما میان این ماده و تبصره اخیر، دو تفاوت بارز وجود دارد؛ نخست حذف قیود «اهمیت زیان و نوع تقصیر» و «اثبات تقصیر» در قانون یاداد رسی کیفری است. علت ایلرروشن است؛ در قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت، تقصیر بوده است ولی در قانون آیین دادرسی کیفری باتوجه به موازین فقهی و مقررات جدید قانون مجازات اسلامی، مبنای مسئولیت قابلیت استناد است. دوم این که ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی فقط به سرمایه معنوی اشخاص (زیانوار) به حیثیت و اعتبار شخصی و خانوادگی (اشاره نمود) و مقسم دیگر یعنی صدمات روحی و عاطفی نپرداخته است. (محمدی، مرادپور شاد، مبین، ۱۳۹۷: ۶۶).

مطلب قابل توجه این که طریق جبران خسارت معنوی بصورت مالی، لزوماً به معنای تقویم به پول نیست؛ بلکه ممکن است دادگامیا توجه به ابعاد زیان، جبرانی را مورد حکم قرار دهد که ارزش پولی و مالی داشته باشد (خدابخشی: ۱۴/۱۳۹۷). هرچند شاید بتوان ادعان نمود که جبران ضرر به صورت پرداخت پول، بهترین و شایع ترین شیوه جبران مالی و منطبق با بسیاری از نظام های حقوقی دنیا است.

نتیجه آن که با توجه به صراحت ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، رویه قضایی دیگر نباید به جبران خسارت هتک حیثیت از طریق پولی یا مالی تردید نشان دهد «با این حال، ابهام این ماده در مورد معیار جبران، یکی از موانع مهم جبران خسارت معنوی بود و هستی ممکن است در طول زمان با تشتت افکار و رویه ها، دادگاه هارابه و انکش منفی وا دارد و بعد از مدتی کوتاه، رویه قضایی از صدور حکم در این باره منصرف شود» (همان). البته باز هم باید به خاطر داشت که فقدان معیار نباید به قربانی کردن اصل جبران خسارت منتهی شود و انتظار می رود دکتترین رویه قضایی این خلأ را پر نمایند.

۳-۵- خسارات تنبیهی^{۳۱}:

در پرونده های هتک حیثیت، ممکن است علاوه بر حکم به پرداخت خسارات جبرانی، خسارات تنبیهی نیز، مورد حکم واقع شود؛ به ویژه اگر آشکار شود که مدعی علیه، اظهارات را با تلاشی محاسبه گرانه برای افزایش فروش تویازیع، منتشر کرده است. در این موارد، حکم پرداخت خسارات در تلاش برای اعلام عدم تأیید رفتار بی پروای عامل زیان، بیشتر از پرداخت غرامت است. (Salmond and Heuston) (۱۹۸۱: ۲۹۴).

در دعوی (Cassell & Co v Broome) در سال ۱۹۷۲، مجلس اعیان انگلیس، حکم بالای خسارات تنبیهی علیه

خوانندگان را تأیید کرد؛ زیرا این اشخاص در مورد اظهارات صورت گرفته بی دقت و بی احتیاط بوده و امیدوار بوده اند که ماهیت شورانگیز و مهیج آن اظهارات، موجب افزایش فروش شود. همچنین در پرونده ای دیگر، که آن هم به تأیید مجلس اعیان رسیده است، دادگاه علاوه بر حکم به مبلغ ۱۴ هزار پوند بر اچرا خسارت، مبلغ ۲۵ هزار پوند نیز به عنوان خسارت تنبیهی تعیین نمود. (Harlow, ۱۹۸۷: ۹۸).

دادگاه تجدید نظر در روند بازبینی پرونده ای^{۳۲} که در ادامه شرح کامل آن می آید، بیان کرده است: حکم به پرداخت غرامات تنبیهی، صرفاً زمانی مناسب است که ناسر، اعتقاد راستینی در مورد درستی اظهارات نداشته و حتی با وجود شک و گمان در نادرست بودن اظهارات، هیچ گونه اقدامی در جهت نظارت و بررسی انجام نداده است. علاوه بر این، هنگامی که صرفاً خسارات جبرانی به نحوی که فقط خود خسارت و پوشش دهد برای تنبیه مدعی علیه و همچنین برای بازداشتن و ترساندن دیگران از ارتکاب این عمل، کافی نباشد شایسته است که خسارت تنبیهی مورد حکم قرار گیرد. (۳۹۵ & ۳۹۸) (Harpwood: ۲۰۰۰)

در حقوق ایران، این مفهوم تنها در قانون اصلاح قانون دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت های خارجی مصوب ۱۳۹۱^{۳۳} دیده می شود. در این قانون، خسارت تنبیهی به طور محدود و فقط در پرونده های بین المللی علیه دول خارجی به شرط رفتار متقابل مورد رأی واقع می شود. بنا بر این با توجه به این قانون و نبود تصریحی در قوانین دیگر، صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت تنبیهی ناشی از هتک حرمت در حقوق داخلی، و جاهت قانونی ندارد.

برخی نیز معتقدند، تعیین مجازات و حدود برای کسی که دیگری را مورد قذف یا قذفین رمی می کند، مستلزم ایفا می کند. (افشار، ۱۳۹۴: ۸۸۱) اما باید گفت بین این مجازات ها و خسارت تنبیهی تفاوت وجود دارد. زیرا اولاً، خسارت های تنبیهی در کشور انگلستان، مبلغی پول است که صرفاً به خود زیان دیده، پرداخت می شود؛ ثانیاً حکم به پرداخت خسارت تنبیهی، منوط به وقوع جرم و احراز ارکان آن نیست و همان طور که گفته شد همین قدر که بی احتیاطی یا تقصیری صورت گرفته باشد یا خسارات جبرانی برای تنبیه عامل زیان کافی نباشد، دادگاه می تواند از این شیوه استفاده کند. به عبارتی دیگر «خسارت تنبیهی یک ضمانت اجرای مقنونی است نمی تواند مجازات به معنی اخص آن باشد». (تقی زاده، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹)

31. John v MGN Ltd (1996).

۳۲. این مفهوم، ابتدا با تصویب قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعوی مدنی علیه دولت های خارجی مصوب ۱۳۷۹/۸۸۱، وارد نظام حقوقی ایران شد با تصویب قانون فعلی (مصوب ۹۱). این قانون منسوخ شده است.

۳۳. دیعوجه التزام، هم اگر چه وجوه تشابهی با خسارت تنبیهی دارند اما این نهادها در تطبیق با خسارت تنبیهی و اهداف آن نیست. در این باره رک. (تقی زاده، ابراهیم و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۲ به بعد)

30. Exemplary damages

۵-۴- خسارات تحقیر آمیز یا خاص^{۳۴}:

بر خلاف روش‌های دیگر، این شیوه جبران، صرفاً خاص خسارت هتک حیثیت و به ویژه افترا کلی است و در مورد سایر خسارات مانند صدمه‌های روحی و بدنی اعمال نمی‌شود. اگر هیئت منصفه بر این عقیده باشد که رفتار مدعی سزاوار سرزنش است، اگر چه به لحاظ فنی، یک قضیه هتک حیثیت، ثابت شده است؛ خسارات تحقیر آمیز رد حکم قرار می‌گیرد. در دعوی *Dering v Uris* در سال ۱۹۶۴، هیئت منصفه در رأی خود مدعی را مستحق دریافت خسارتی معادل یک سکه نیم پنی شناخت. مدعی، کسی بود که آشکارا به دلیل جرائم جنگی شدید، گناهکار بود اما موفق شد که ثابت کند، اظهارات خاصی که در مورد او گفته شده است، اشتباه و توهین آمیز بوده‌اند. همچنین، یک حکم بسیار ناچیز، به همان دلیل در دعوی *Plato Films v Speidel*، در سال ۱۹۶۱، صادر شد. (Harwood, ۲۰۰۰: ۳۹۴). از این روش جبران نامی در حقوق ما به میان نیامده است.

۵-۵- خسارت اسمی یا سمبلیک^{۳۵}:

زمانی که هیئت منصفه تشخیص دهد که پرونده تأیید و تصدیق شده، اما مدعی متحمل خسارت بسیار ناچیزی شده است، تنها خسارت اسمی یا صوری مورد حکم قرار می‌گیرد. (Harwood, ۲۰۰۰: ۳۹۴) به عبارت دیگر، هرگاه حیثیت یا اعتبار شخص به هر نحوی مورد تعرض واقع شود ولی موضوعاً قطعی و مشخصی نشده یا میزان خسارت قابل توجه نبوده و یا قابل اثبات نباشد، دادگاه - کچه چنین خسارت ظاهری می‌دهد که نشانگر محکومیت و اعلام خطای خواننده است. (Fridman, ۱۹۹۰: ۴۹۰).

در ایران، چنین روشی برای جبران خسارت، دیده نمی‌شود لکن برخی معتقدند که به لحاظ حقوقی منعی ندارد که در صورت استناد زیان‌اندیده به این روش، دادگاه بر اساس ماده ۱ ق.م.م. خسارت اسمی یا نمادین تعیین نماید. (سلطانی، ۱۳۹۵: ۱۲۱).

جبران خسارات هتک حیثیت در رویه قضایی ایران و انگلستان
همان‌طور که گذشت، هتک حیثیت و آبروی اشخاص، یکی از ضررهای مهم تلقی می‌شود و از نظر قانونی، منعی برای جبران آن وجود ندارد. منابع قانونی ذکر شده، موید این مطلب است. کما این که ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز به صراحت، هر نوع خسارت معنوی و از جمله خسارات وارد بر حیثیت را قابل مطالبه می‌داند: این ماده مقرر می‌دارد «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامت یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا بهره‌گرایی که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

علی‌رغم وجود این ظرفیت‌های قانونی، متأسفانه رویه قضایی

ایران، در پذیرش دعوی مطالبه خسارات وارد بر حیثیت و روش‌های جبران آن، به ویژه به صورت معادل پولی، رویکرد سخت‌گیرانه‌ای دارد زیرا از یک سو، محاکم به دلیل پیچیدگی موضوع خسارات معنوی، از جمله هتک حیثیت و فرایند ارزیابی آن، جبران این ضرر را، سخت و دشوار می‌دانند (ر.ک: افشار، ۱۳۹۴: ۱۷۸ و ۱۸۰). از سوی دیگر، همان‌طور که گفته شد شورای نگهبان، جبران خسارات معنوی را از طریق مالی مغایر با موازین شرعی اعلام نموده و همین امر سبب بروز اختلاف نظرهایی میان دادگاه‌ها شده است. نمونه‌آراء زیر بیان‌گر وجود این اختلافات و دیدگاه‌های متفاوت محاکم است:

در دعوی به خواسته صد وررأی به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ صد و هفتاد و پنج میلیون ریال بابت خسارات معنوی و مادی وارده به خواهان به دلیل انتساب اتهام رشوه خواری و در نهایت اخراج از مقام مدیر عاملی یک شرکت، ابتدا دادگاه بدوی مستند به ماده ۵۱۹ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی خواننده را به پرداخت ۱۷۵ میلیون ریال بابت جبران زیان معنوی در حق خواهان محکوم کرده اما دادگاه تجدید نظر استان تهران، به دلیل این که طبق ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر معنوی قابل مطالبه نیست، رأی بدوی را نقض نموده است. (حسین آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۴) اما شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان تهران^{۳۶}، در موردی که یکی از مقامات سازمان ثبت اسناد و املاک در روزنامه مدعی شده بود که یکی از سردفتران اسناد رسمی، مبادرت به تنظیم سند خلاف واقع کرده است در مورد ضرر زیان ناشی از این خسارت، چنین حکم داده است:

«دادگاه، تجدید نظر خواه را در مطالبه ضرر و از این حیث که حیثیت و شئون شغلی او در هکذا این انتساب مخدوش شده است و از آن جا که به حکم قاعده لاضرر و لاضرار در اسلام، هیچ نوع ضرر اعم از مادی یا معنوی نباید جبران نشده باقی بماند و این مسئولیت در اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مسئولیت مدنی، قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان تصریح شده و مخالفت قوانین مزبور با شرح احراز نشده است پرداخت مبلغی به عنوان خسارت هر چند

۳۶. به همین دلیل، دادگاه‌ها ترجیح می‌دهند که در صدور آراء خود صرفاً به جبران‌های عینی و غیر مالی بسنده نمایند مانند دادنامه شماره ۵۰۶۹-۱۷/۸/۱۳۷۶ که مورود ز شکایت است که در رشته کشتی و پرتاب وزنه، دارای چند مدال افتخار بود که به اتهام ایجاد خرید فروش مواد مخدر به حبس ابد محکوم می‌گردد. از نقض رأی او اجاع پرونده به شعبه هم عرض، از بزه‌های انتسابی تبرئه و حکم برائت به منظور اعاده حیثیت از وی و زنا مه کثیر الانشار درج می‌شود. (افشار، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

۳۷. با تغییر قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۷۸، بند ۲ ماده ۹ قانون سال ۱۳۳۵ که زیان معنوی را قابل مطالبه دانسته بود حذف شد. بنابین حال دادگاه تجدید نظر می‌توانست به استناد ملاک اصل ۱۷۱ قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی دادگاه بدوی را تأیید نماید. در حال حاضر، ماده ۱۴ قانون جدید تبصره آن صراحتاً صدور حکم به جبران مالی خسارت را تأیید نموده است.

۳۸. دادنامه شماره ۲۷۷-۱۸/۳/۱۳۷۷-۱۸/۳/۱۶۲۱ کلاسه پرونده

34. Contemptuous damages

35. Nominal damage

قدرت کم در برابر قدرت رسانه هادر گو دمبارزه قرار می‌گیرد و پیروز می‌شود. با این حال، اغلب، امکان اقامه دعوی افترا با کمک قوانین معاضدت قضایی، توسط اشخاص معمولی با درآمدهای محدود، مورد انکار واقع می‌شود و بسیاری برای این عقیده‌اند تنها افرادی می‌توانند دعوی هتک حیثیت را مطرح کنند که تاکنون ثروتمند بوده‌اند؛ زیرا وکلا اغلب به دلیل پیچیدگی‌های پرونده‌های افترا، دستمزدهای بالایی را طلب می‌کنند.

از آن جایی که هیچ نوع معاضدت قضایی در دعوی مربوط به هتک حرمت، در دسترس نیست، افراد ممکن است تصور کنند که هیچ کمک قانونی برای دفاع در برابر عاری که توسط شرکت‌های حقیقی بر علیه آن‌ها مطرح می‌شود، وجود ندارد؛ مانند دعوی *Macdonald v. Currier* (۱۹۹۷).^{۴۰} و به همین دلیل بعضاً با به کار بردن حیل‌های قانونی، سعی در طرح دعوی دروغ‌شیرانه جای هتک حرمت دارند. البته توسعه قراردادهای هزینه مشروط، دسترسی به دعوی هتک حیثیت را برای تعداد بیشتری از اشخاص خصوصی، موجب شده است. همچنین پیشنهاد قضاتی که مایل به طرح دعوی افترا هستند، بتوانند هزینه‌های آن را از محل وجوهات یا خزانه عمومی، پوشش دهند. (Curter, ۲۳۲, ۱۹۹۷)

از سوی دیگر، انتقادهای عمده‌ای نسبت به احکام راجع به هتک حیثیت به عمل آمده است؛ اولاً؛ این احکام به صورت نامتناسبی، با رقم‌های بالا نسبت به رأی‌های صدمات شخصی صادر می‌شوند در حالی که بسیاری معتقدند اعتبار و حیثیت آسیب دیده، سزاوار رأی بالاتری، نسبت به صدمه مغزی و دردهای وابسته به آن، نیست.

در دعوی افترای کتبی، *Lord Aldington v. Tolstoy and Watts* در سال ۱۹۸۹ حکمی معادل یک میلیون و پانصد هزار پوند صادر شد. مهرداد سلطنتی (رئیس قوه قضائیه)، نگرانی خود را بابت این مسئله این گونه توضیح می‌دهد:

«بی‌پرده باید گفت: ضروری است که اقلیت کوچکی از مدعی‌ها را دلسرد نمایم؛ کسانی که به جای آن که در فرایند محاکمه، خواستار حمایت و دفاع یا اثبات بی‌گناهی باشند صرفاً برای انگیزه‌های مالی اقدام به دادخواهی می‌کنند.» (۳۹۵: Harpwood, ۲۰۰)

ثانیاً در مورد احکامی که با مبالغ بالا توسط هیئت منصفه صادر می‌شود دادگاه تجدید نظر، قادر نیست آن‌ها را کاهش دهد مگر در صورتی که این آرا، کاملاً دور از واقعیت بوده یا توسط قاضی، راهنمایی درستی صورت نگرفته و باعث گمراهی شده باشد.

البته اخیراً، رویه جدیدی، توسط دادگاه تجدید نظر با ارجاع به یک قانون جدید یعنی قانون خدمات حقوقی و دادگاه‌ها مصوب ۱۹۹۰،^{۴۱} برای کاهش حکم مربوط به پرداخت خسارات، در دعوی *Rantzen v. Mirror Group Newspapers* (۱۹۹۳) اتخاذ شده است. «Rantzen» به حمایت از معلمی که سوء استفاده جنسی از بچه‌ها می‌کرده متهم شد بود. ماده ۸ قانون خدمات حقوقی و دادگاه‌ها، مصوب سال ۱۹۹۰، به دلگام تجدید نظر اجازه می‌دهد در صورتی که ملاحظه نماید

نمی‌تواند این نوع ضررها تدارک ولی حسب مورد و سیله‌ای برای تشفی متضرر و تخفیف آن در جبران بخشی از خسارات است. بنابراین دعوی خواهان را وارد و موجه تشخیص و به تجویز مواد ۲ و ۳ قانون مسئولیت مدنی، آقای... به پرداخت مبلغ ۲ میلیون ریال بابت ضرر معنوی وارده به تجدید نظرخواه محکوم و علاوه بر این بوجه به نوع تقصیر، به استناد ماده ۱۰ آن قانون، تجدید نظر خوانده را به عذرخواهی از آقای... مکلف می‌نماید. (پرویس، ۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۳۰).

همچنین دادگاه کیفری ۲ تهران^{۴۲} در اسناد باکره نبودن همسر، شوهر را به مبلغ ۳۰۰ هزار ریال، بابت ضرر و زیان معنوی در وجه خواهان (زن)، محکوم نموده است (آشوری، ۱۳۷۵: ۲۱۲). لازم به ذکر است که به بیشتر احکام صادره در ایران، ناظر بر انواع دیگر خسارات معنوی یعنی تالما تو رنج‌های ناشی از آسیب‌هایی یا و صدمات وحشی است.^{۴۳} در انگلستان با عنایت به کثرت آرای قضایی در این مورد، می‌توان ادعا کرد که اصل در جبران ایرن خسارت، جبران مالی آن به صورت دادن مبلغی پول است. نمونه حکم‌های اخیر صادره در دعوی ذیل، این ادعا را تأیید می‌کند:

- Maxwell v Ingrams* (۱۹۶۸), £ ۵۰۰۰۰۰
 - Sutcliffe v Private Eye* (۱۹۸۹) £ ۶۰۰۰
 - Goldsmith v Ingrams* (۱۹۸۳), £ ۸۵۰۰۰
 - Barbara Cartland v BBC* (۱۹۶۸), £ ۵۰۰۰۰
 - Souness v Mirror Newspapers* (۱۹۵۰), £ ۷۵۰۰۰۰
 - Garfoor v Walker* (۲۰۰۰), £ ۴۰۰۰۰۰
 - Percy v Daily Mirror* (۱۹۹۶), £ ۶۲۵۰۰۰
 - Jason Donovan v Face* (۱۹۹۲), £ ۱۰۰۰۰۰
 - Proetta v Sunday Times* (۱۹۹۱), £ ۱۵۰۰۰۰
 - Koo Stark v Mail on Sunday* (۱۹۸۸), £ ۳۰۰۰۰۰
- (Harpwood, ۲۰۰۰, ۳۹۷-۳۹۵ p)).

البته صدور این آرا بدین معنا نیست که این کشور با هیچ چالشی در این زمینه روبه‌رو نباشد؛ از یک سو، پیش‌بینی خسارات در دعوی افترا، دشوار است. هیئت‌های منصفه متمایلند که دعوی هتک حیثیت را به عنوان موقعیت هتک *David and Goliath*^{۴۱}، در نظر گیرند؛ یعنی وضعیتی که در آن شخص کوچکی با

۳۹. دادنامه شماره ۲۵۲-۲۵۱-۱۰/۲/۱۳۶۳

۴۰. برای نمونه رک: دادنامه شماره ۹۰۰۵۵۴ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۰ صادره از شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) تهران و دادنامه شماره ۷۸-۱۰۵۲-۱۰۵۲ صادره از دادگاه عمومی تهران که دادگاه تجدید نظر هم تأیید شد (پرونده معروف خون‌های آلوده) هرچند در سنوات بعدی دادگاه تجدید نظر به موجب دادنامه ۱۷۹۴-۲۲۲ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۸، رأی به جبران خسارت معنوی ناشی از آسیب‌های جسمانی و تنلمات روحی را فاقد وجه شرعی و قانونی دانسته است. به نقل از (امرابی فردا ۱۳۹۱: ۱۹۹-۲۰۰).

41. from the story in the bible in which David- a young boy- kills Goliath- a gaint- with stone available at: www.macmillan.com/dictionary/british/david-and-goliath

که هیئت منصفه اولیه، حکمی بیش از حد یا برعکس، غیر کافی و نابسند صادر کرده است، حکم جدید درباره پرداخت خسارت را جایگزین نماید. دادگاه این استدلال را پذیرفت که اصطلاح **بیش از حد** باید در **پرتو** ماده ۱۰ معاهده اروپایی حقوق بشر تفسیر شود؛ ماده‌ای که ضروری است به عنوان اصول زیربنایی حقوق کامن لا در مورد اهمیت آزادی بیان ملاحظه و مدنظر قرار گیرد. (Neill, ۱۹۹۱, ۴۶). ماده ۱۰، مقرر می‌دارد:

«آزادی بیان صرفاً می‌تواند به واسطه همان قیود و محدودیت‌ها یا مجازات‌ها و غرامت‌هایی که در یک جامعه دموکراتیک، ضروری هستند محدود شود. معیار دادگاه تجدید نظر باید این باشد: آیا یک هیئت منصفه معقول و منطقی می‌تواند گمان کند یا بر این اعتقاد باشد که این رأی، برای جبران ضروری رم بوده است و حیثیت و اعتبار او را دوباره احیا می‌کند».

در این پرونده خاص، رأی پرداخت خسارت به نفع Rantzen از مبلغ دو بیست و پنجاه هزار پوند کاهش داده و با یک حکم صد و ده هزار پوندی، جایگزین شد. (Neill, ۱۹۹۱, ۴۶).

زواج این رویه جدید و معیارهای کاهش حکم به وسیله پرونده John v MGN Ltd (۱۹۹۶) روشن‌تر بیان شده است. مقاله مدعی شده بود که خواننده Elton John در حال جویدن غذا و بیرون انداختن آن با آب دهان در یک مهمانی درلس آنجلس دیده شده است و درآمد خورده و رابا آوردن عبارت «buli-mia nervosa» برهم زنده و آشفته توصیف کرده بود...

مدعی درخواست خسارت تنبیهی نمود؛ به این دلیل که مدعی علیه‌ها در بررسی این که آیا وی در مهمانی مورد بحث، حاضر بوده است یا خیر، بی احتیاط بوده و دقیقاً حضور و عدم حضور او را کنترل نکرده‌اند. قاضی هم در اولین فرصت، به مدارک کافی از بی دقتی خوانندگان برای توجیه‌ار جاع به هیئت منصفه در مورد مسئله خسارت تنبیهی، دست یافت. هیئت منصفه احرار نمود که اظهارات توهین آمیز ده‌اند و به همین دلیل مبلغ هفتاد و پنج هزار پوند معادل زیان وارده به زیان دیده، و دو بیست و هفتاد و پنج هزار پوند غرامت تنبیهی، خواننده را محکوم نمود. مدعی علیه‌ها به این رأی اعتراض نمودند؛ به این علت که خسار را نفور حکم، بیش از حد بوده و قاضی هیئت منصفه را در مورد اتخاذ روش صحیح در ارزیابی خسارت تنبیهی، گمراه کرده است.

دادگاه تجدید نظر، اصول حقوقی مرتبط به خسارت را در دعاوی هتک حیثیت مورد باز بینی قرار داد و این گونه حکم داد: «در ارزیابی خسارت معادل زیان وارده به زیان دیده، یک قاضی می‌تواند در آینده هیئت منصفه را از جاع دهد اولاً به مقیاس و معیارهای مرسوم جبران خسارت، در کیس‌های صدمات شخصی به شیوه مقایسه‌ای و تطبیقی زیرا از نظر عموم اشتباه است که یک مدعی در دعاوی هتک حیثیت، خسارت بیشتری نسبت به مدعی آسیب‌های شخصی-کسی که به شدت صدمه دیده یا به طور دائم، زمین‌گیر و فلج شده است- دریافت کند و ثانیاً به رأی‌هایی که قبلاً توسط دادگاه تجدید نظر در مورد پرونده‌های افترا، صادر یا تأیید شده‌اند. همچنین، هیچ دلیلی

وجود ندارد در مورد این که چرا قاضی یا مشاور نباید، درباره این که چه سطح وجه‌ای از رأی مناسب می‌دانند، نظر و پیشنهادی ارائه دهند. دادگاه تجدید نظر این امر را مدنظر قرار می‌دهد که آن‌ها از نقش اساسی هیئت منصفه از طریق صدور احکامی که از منظر عموم قابل قبول‌تر، به نظر می‌رسد، حمایت خواهند نمود. در نهایت در این پرونده مبلغ و پنج هزار پوند برای خسارات جبرانی و پنجاه هزار پوند به جهت خسارت تنبیهی جایگزین شدند. (P. ۴۰۰, ۲۰۰۰, Harpwood) دادگاه تجدید نظر با باز بینی اصول حقوقی مرتبط با خسارات در دعاوی هتک حیثیت بیان نمود:

هیئت منصفه می‌تواند در ارزیابی خسارات، از معیارهای مرسوم جبران خسارت در صدمات بدنه صورت مقایسه‌ای استفاده نماید و بر این نظر عموم جامعه در یافت خسارت بیشتر در دعاوی هتک حرمت نسبت به صدمات بدنی شدید- مانند مواردی که شخص در اثر آسیب وارده، زمین‌گیر یا فلج شده- اشتباه است. علاوه بر این هیئت منصفه می‌تواند به رأی پیشین صادره یا تأیید شده در دعاوی افترا از سوی دادگاه تجدید نظر مراجعه کند و این که قاضی یا مشاور نمی‌تواند در مورد میزان مناسب خسارت، نظر یا پیشنهادی ارائه کند، مبتنی بر دلیل موجهی نیست. از این رو، دادگاه تجدید نظر در صورت صدور رأی قابل قبول از منظر عموم، از نقش اساسی هیئت منصفه حمایت خواهد کرد.^{۴۳}

در نهایت، پرونده موصوف، مبلغ بیست و پنج هزار پوند خسارت جبرانی و پنجاه هزار پوند به جهت خسارت تنبیهی جایگزین حکم پیشین شد (Harpwood, ۲۰۰۰, ۴۰۰). با توجه به این که موارد فوق‌الذکر تغییر رویه محسوب می‌شوند، در سال‌های اخیر دیگر صدور حکم‌های با مبلغ بیش از حد بالا توسط هیئت منصفه در قضاای هتک حیثیت، خیلی رایج و عادی نیست؛ مانند دعاوی Hamilton v Al Fayed در سال ۲۰۰۰ که قاضی مورلاند به هیئت منصفه برای دادن حکم بالای پرداخت خسارت هشدار داد و ویوژه، گونه‌ای از احکام صادره را در مورد افرادی متذکر شد که از صدمات بدنی دردناک و تألم آور، رنج می‌برند. (Socha, ۲۰۰۴, ۴۸۱).

بحث و نتیجه‌گیری

در مقایسه بین دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، ملاحظه می‌شود که در انگلستان، علی‌رغم وجود انتقادات و مشکلاتی در مورد مطالبه این خسارت و جبران آن، مانند عدم دسترسی به معاضدت‌های قضایی برای افرادی که از نظر مالی در مضیقه هستند و دستمزدهای زیاد و کلا در مورد این دعاوی یا وجود احکام با مبلغ بالا نسبت به صدمات بدنی، مصیبت هتک حیثیت با ارکان و شرایط خاص خود تعیین و از سایر خسارات وارد

۴۳. در حال حاضر، اساساً بند ۱ و ۲ ماده ۱۱ قانون هتک حیثیت ۲۰۱۳، دعاوی افترای کتبی و شفاهی، نزد شعبه دادگاه ملکه بدون حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود، مگر این که دادگاه حضور این هیئت را ضروری بداند.

صورت مالی و پولی به خود راه ندهند و در آراء خود تنها به روش‌های عینی اکتفا نمایند؛ به خصوص که روش‌های اخیر، اصولاً ضررهای گذشته را جبران نمی‌کنند. همچنین باید توجه نمود که جرم‌انگاری هتک حرمت و مجازات عامل زیان‌اگر چه در جای خود مطلوب است اما مسلماً به تنهایی نمی‌تواند تسلی خاطر زیان‌دیده را فراهم کند و بر خلاف گفته برخی نیز مجازات کردن خاطی، جبران خسارت معنوی محسوب نمی‌شود. بنابراین استفاده از نظام مسئولیت معنوی شیوه‌های جبرانی مناسب، بهتر از سیستم کیفری جوابگوی نیازهای زیان‌دیده خواهد بود. در آخر نیز پیشنهاد می‌گردد، که با توجه به خلاء قانونی، قواعد ناظر بر مطالبه اشخاص حقیقی و حقوقی تدوین و در مورد اشخاص فوت شده و تفکیک اشخاص حقوقی دقت نظرهای لازم صورت گیرد.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۷۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: سمت.
- افشار، حسن (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران: مجد.
- انصاری، باقر و همکاران (۱۳۸۱) مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی، تهران: معاونت تلویزیون، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- السنهوری، عبد الرزاق احمد (بی‌تا)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، جلد اول، بیروت: دارالحياء التراث العربی.
- امرای فرد، مسعود (۱۳۹۱)، «قابلیت مطالبه خسارت معنوی در حقوق ایران با تاکید بر رویه قضایی»، رساله دکتری، دانشگاه مفید قم.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان.
- پروین، فرهاد (۱۳۸۲) خسارت معنوی در حقوق ایران، تهران: ققنوس.
- تقی زاده، ابراهیم، خسر وی‌فلسانی، علی، و موسی پور، میثم (۱۳۹۱)، «ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق کامن‌لا»، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، صص ۴۹-۶۰.
- حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۸۰)، «روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، دو ماهنامه دانشور، سال نهم، شماره ۳۶، دانشگاه شاهد، صص ۶۳-۷۲.
- حسین آبادی، امیر (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی شماره ۳۶ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۷ شعبه ۲۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران در رابطه با خسارت معنوی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، صص ۱۸۹-۲۰۹.
- حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: مجد.
- خدابخشی، عبدالله «نقدی بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، دعوی خسارت ناشی از جرم»، رساله حقوق به نشانی: www.aria-law.com.data-view.aspx?lang=fa&id=۷۸۴
- تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۳/۱۴.

بر آبرو مجزاشده است. همچنین طرح دعوی هتک حیثیت و مطالبه خسارات ناشی از آن در قوانین خاصی، مانند قوانین هتک حیثیت ۱۹۵۲، ۱۹۹۶ و ۲۰۱۳ و سایر قوانین و رویه قضایی کاملاً به رسمیت شناخته شده است و از این جهت، بسترهای مناسبی در جهت حمایت از زیان‌دیدگان این خسارت فراهم آورده است. بزه این که عامل زیان ضرورتاً نبود هیچ دفاع قانونی، در این کشور مسئولیت محض دارد و بار اثبات درستی اظهارات نیز بر عهده ویست. در این کشور تنها اشخاص در قید حیات، و اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری حق اقامه دعوی دارند و نهاد های دولتی با این اعتقاد که هرگونه اظهار نظر یا انتقاد نسبت به منافع عمومی ناپایدار و وسیله تهدید به جبران خسارت یا اقامه دعوا محدود شود، از این حق بی‌بهره‌اند. در این کشور، روش غالب جبران خسارت هتک حرمت شامل افترای کتبی و شفاهی به صورت دادن مبلغی پول است که در قالب جبران معادل (پرداخت غرمت)، سمبلیک، خسارات تحقیر آمیز یا خسارت تنبیهی مورد رأی واقع می‌شود؛ در مواردی که هتک حرمت با سوء نیت یا بی احتیاطی همراه باشد و یا خسارت جبرانی برای تنبیه عامل زیان کافی نباشد، دادگاه در کنار پرداخت غرامت از خسارت تنبیهی نیز استفاده می‌کند. هنگامی که علی‌رغم ثابت شدن هتک حیثیت، رفتار زیان‌دیده سزاوار سرزنش بوده خسارت تحقیر آمیز و اگر زیان‌دیده متحمل خسارت بسیار ناچیزی شده یا میزان خسارات قابل اثبات نباشد، خسارت اسمی مو رهنظر قرار می‌گیرد.

در ایران علی‌رغم این که در قانون اساسی، قانون مسئولیت مدنی، قانون مطبوعات، قانون آیین دادرسی کیفری و برخی قوانین دیگر، صریحاً یا تلویحاً مسئولیت مدنی ناشی از هتک حیثیت پذیرفته شده و برای جبران آن به روش‌های عینی، مانند عذرخواهی، پاسخگویی متقابل، انتشار حکم در جرایم و همچنین روش مالی تصریح شده است. اما رویه قضایی ایران، در پذیرش دعوی مطالبه خسارات بروحیثیت و روش‌های جبران آن، به ویژه به صورت معادل پولی، رویکرد سخت‌گیرانه‌ای دارد. برآز یک سو، محاکم به دلیل دشوار بودن تقویم خسارات معنوی و نبود ضابطه و معیار مشخص، جبران این ضرر را، سخت و دشوار می‌دانند. از سوی دیگر، شورای نگهبان، جبران خسارات معنوی را از طریق مالی مغایر با موازین شرعی اعلام نموده و همین امر سبب بروز اختلاف نظرهایی میان دادگاه‌ها شده است. این اشکالات هیچ‌کدام ولایتیست و وقتی پذیرفته شد که هتک حیثیت نیز عیناً خسارت است و مستحق جبران است و تاهران‌اندازه که ممکن است جبران گردد، عموماً می‌تواند جبران آن پرداخت مبلغی پول است. همچنین بهترین معیار برای جبران خسارات معنوی از جمله هتک حرمت و ضایع احوال است که در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی نیز این اشاره شده است. بنا بر این شایسته است قضات، با توجه به ملاک اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۳، ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و صراحت تبصره ۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید که مورد برادشورای نگهبان نیز واقع نشده است تردیدی در پذیرش جبران این خسارت به

مهمان نوازان، روح الله (۱۳۸۹)، خسارات قابل جبران در حقوق ایران، تهران، مجد.

نجفی تواتا، محمد علی، «راهکارهای اعاده حیثیت در محاکم کیفری»، روزنامه حمایت، تاریخ ۹۲/۳/۱ به نقل از سایت حقوقی و امور مجلس به نشانی www.hvmir/detail-news.aspx?id=۳۷۲۵۵، تاریخ دسترسی ۲۰۱۷/۹/۱۴.

نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، چاپ دوم، تهران: نشر امیر کبیر

نیک فرجام، زهره (۱۳۹۲)، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق»، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم، صص ۱۰۵-۱۲۷.

منابع انگلیسی

Barendt, EM (1997), *Libel Law and the Media*, London, Oxford Clarendon

Curter, Ruck (1997), *Libel and Slander*, London, Butterworths

Faulks, N (Sir) (1975), *Report of the Committee on Defamation*, Cmnd 5909, London, HMSO

Fridman, G.H.L (1990), *Torts*, 1 ed, London, Waterlow Publishers

Graham, Stephenson (1996), *Source book on Torts*, 1 ed, London, Cavandish Publishing Limited

Harpwood, Vivienne (2000), *Principles Of Tort law*, London, fourth edition, Cavendish Publishing Limited

Harlow, Carol (1987), *Understanding Tort Law*, London, Fontana Press

Henry, H. Perritt, Jr (1992), *Tort Liability, The first amendment*, Harvard Journal of Law & technology, Vol.5, spring issue, Note.149

Johnson, Vincent R (2017), *Comparative Defa-*

سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی خسارت معنوی، تهران: نشر میزان دانش.

سلطانی نژاد، هدایت الله (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی جبران زیان جمعی در نظام حقوقی کامن لا، فرانسه و ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۵.

صدیقی، حسین (۱۳۸۸)، مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیکه تهران: نشر میزان.

صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ پنجم، تهران: سمت.

طباطبای مومتمنی، متوجه (۱۳۷۰)، آزادی‌های عمومی، تهران: دانشگاه تهران.

علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۸)، موازین قضایی، جلد ۴، تهران: حسینیه ارشاد.

قاسم زاده، مرتضی (۱۳۸۸)، الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی-ضمان قهری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کبیری شاه آباد، بشیر (۱۳۹۱)، «حمایت کیفری از حیثیت اشخاص در فقه و حقوق امامیه»، رساله علمی سطح ۳، مدیریت حوزه علمیه قم.

کری: پیترو و ساندز، جو (۱۳۸۶)، حقوق رسانه، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.

لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: چاپخانه خواجه.

لورراسا، میشل (۱۳۷۵)، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدان.

محمدی، پژمان، مرادپور شا د، امیر و مبین‌حجت (۱۳۹۷)، «تأثیر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ بر ارکان مطالبه خسارات معنوی و عدم النفع در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۶۵-۹۳.

مراغی، میرعبدالفتاح (۱۳۸۱)، العناوین، جلد ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی.

مهر پور، حسین (۱۳۷۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد ۲، تهران: کیهان.

mation Law, Penn State International Law, R: vol.23, No.2. pp 471-490
Veeder, Van Vechten (1903), The History and Theory of the Law of Defamation, Columbia Law Review Association, vol.3, N0.8. pp 546-573
www.macmillan.com/dictionary/british/david-and-goliath

mation Law and the United States, 24 U, University of Miami International and Comparative Law, Review.1
Lawson, FH (1980), Remedies of English Law, 2 edition, Sweet & Maxwell
Neill, B (Sir) (1991), Report on Practice and Procedure in Defamation, Lord Chancellor 's Department
Salmond and Heuston (1981), The Law Of Torts, 18 edition, London, sweet and Maxwell
Socha, Michael (2004), Double Standard: A Comparison of British and American Defa-